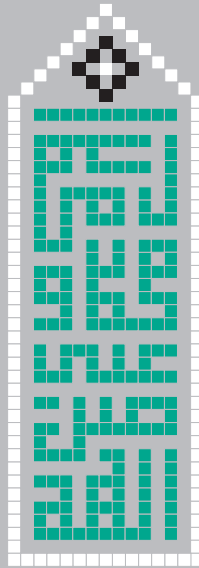


## اسماء الرجال والحرف



سرشناسه: وحیدزاده، محمدرضا، ۱۳۶۰ -  
عنوان و نام پدیدآور: سبک‌شناسی هنر انقلاب اسلامی  
با نگاهی تطبیقی به شعر و نقاشی دوره انقلاب / محمدرضا وحیدزاده.  
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۳۲۴ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۱۶۹۷-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - هنر و انقلاب  
موضوع: هنر و انقلاب  
موضوع: Art and revolutions  
موضوع: هنر - ایران - تاریخ - قرن ۱۴  
موضوع: Art - Iran - History - 20th century  
موضوع: Iran - History - Islamic Revolution, 1979 - Art and the revolution.  
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶س۲/۳ و DSR1556  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۲۲۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۰۴۳۷



سبک‌شناسی هنر  
انقلاب اسلامی  
بانگاهی تطبیقی به  
شعرو نقاشی دوره انقلاب

محمد رضا وحیدزاده





### انتشارات سوره مهر

وابسته به حوزه هنری

www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،

خیابان رشت، شماره ۲۳،

صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸

سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن: ۶۶۴۶۹۶۱

فکس: ۶۶۴۶۹۶۵

تلفن مرکز پخش: (۵ خط)

۶۶۴۶۹۹۲

نشانی پژوهشکده:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری،  
پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۲  
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۶۳۳  
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



با اسکن  
رمزبند از  
دیگر آثار  
پژوهشکده  
آشنای  
شوید

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
سبک شناسی هنر انقلاب اسلامی  
بانگاهی تطبیقی به شعر و نقاشی دوره انقلاب  
محمد رضا وحیدزاده

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی  
صفحه‌آرا: احمد الهی

### کتاب‌ها در زمین ریشه دارند

طبق تفاهم نامه انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی  
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.  
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۲۳۶۱۴۵۱۱

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۴۷۷۲۵-۶

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه  
چاپ دوم: ۱۴۰۱ - چاپ نخست: ۱۳۹۶  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۱۶۹۷-۶

فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،  
جنب حوزه هنری، شماره ۲۲۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳

تلفن: ۶۶۴۶۶۵۶۸-۹



جهت دسترسی به تصاویر رنگی کتاب، این رمزبند را اسکن کنید.



تقديم به

پدرم، جانباز شهيد محمد حسين وحيدزاده

و به پدر همسرم، شهيد جاويد الاثر محمد رضايي



## فهرست مطالب



۹ مقدمه نویسنده

۱۵	سبک‌شناسی و نقش آن در مطالعات هنر و ادبیات
۱۵	سبک و سبک‌شناسی چیست؟
۱۵	- سبک
۲۱	- سبک‌شناسی
۳۰	- انواع سبک‌شناسی
۳۴	- تفاوت سبک و مکتب
۴۰	نسبت هنر با جهان‌بینی هنرمند و نمود آن در سبک
۶۳	پیشینه مطالعات تطبیقی شعر و نقاشی
۶۳	چرایی و چگونگی سبک‌شناسی تطبیقی شعر و نقاشی
۶۵	نسبت شعر و نقاشی در تاریخ هنر غرب
۸۱	نسبت شعر و نقاشی در تاریخ هنر ایران
۱۰۷	مبانی و تاریخچه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی
۱۰۷	چیستی نقاشی و شعر (هنر) انقلاب اسلامی
۱۱۵	تأثیر انقلاب اسلامی بر هنر و ادبیات دوره انقلاب
۱۲۰	تاریخچه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی
۱۲۰	- تاریخچه نقاشی انقلاب
۱۳۳	- تاریخچه شعر انقلاب
۱۴۵	نسبت و تفاوت هنر انقلاب اسلامی با هنر سوسیالیستی
۱۵۴	نسبت و تفاوت هنر انقلاب اسلامی با هنر غربی



ویژگی‌های سبکی مشترک در شعر و نقاشی انقلاب	۱۶۵
مقدمه: بی‌توجهی نسبی هنر انقلاب به صورت و ساختار هنری	۱۶۵
ویژگی‌های سبکی هنر انقلاب	۱۶۹
الف) نفی مدرنیسم و فرمالیسم	۱۶۹
ب) پراکنده‌گزینی و اقتباس	۱۸۴
ج) اسلوب‌گرایی	۲۰۴
د) بیان‌گرایی	۲۱۳
هـ) صراحت و قطعیت	۲۲۹
و) واقع‌گرایی	۲۳۷
ز) نمادگرایی	۲۴۶
مؤخره: نسبت واقعیت و نماد در هنر انقلاب	۲۶۸



## جمع‌بندی ۲۷۹

منابع	۲۸۳
تصاویر ضمیمه	۲۹۷





## مقدمه

در کتاب از زبان‌شناسی به ادبیات، تألیف دکتر کورش صفوی، که اثری ارزشمند جهت گشودن راه‌های تازه در مسیر تحقیقات دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فارسی است، در یکی از فصل‌ها به نکته مهمی اشاره می‌شود. نویسنده در این کتاب ضمن برشمردن برخی اشکالات سبک‌شناسی‌های صورت‌گرفته در این رشته، معتقد است جهت دستیابی به نتایج عمیق‌تر و دقیق‌تر ضروری است با بسط دایره موضوعی علم سبک‌شناسی، نگاهی جامع‌تر به تاریخ ادبیات فارسی داشت. به نظر وی دسته‌بندی‌های فعلی در سبک‌شناسی (با عناوینی چون سبک خراسانی، عراقی، هندی و...) صرفاً آثار منظوم را مورد توجه قرار داده و خود را از حیطه‌های دیگر و داشتن نگاهی جامع‌نگر محروم کرده است.

وی در ادامه برای روشن‌تر شدن سخن خود به ذکر مثالی از همین سبک‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد بسیاری از ویژگی‌های حکمت‌مشا را می‌توان در شعر دوره خراسانی و معماری آن دوره مشاهده کرد؛ از آن

جمله سادگی و شکوه و وقار در نمونه‌هایی از آثار تاریخی به‌جامانده از آن دوران است که این ویژگی‌ها را می‌توان در نمونه‌های ادبی نیز جست. همچنین، بسیاری از ویژگی‌های حکمت اشراقی همچون رازانگیزی و اجمال بین آثار معماری و اشعار دوره عراقی مشترک است. بر همین اساس، حکمت صدرایی نیز ویژگی‌های مشترکی چون ظرافت و نازک‌نگاری با معماری دوره صفویه و شعر سبک هندی دارد. یوسفعلی میرشکاک نیز در مقاله‌ای با عنوان «بی‌گمان بر آثار عجمی نیز همین خواهد رفت» (مندرج در شماره هفتم نشریه هنرهای تجسمی)، به شباهت آثار علی معلم (در شعر)، مصطفی گودرزی (در نقاشی) و حمید عجمی (در خط) و تحلیل وجوه مشترک کارهای این سه هنرمند انقلاب می‌پردازد و هر سه را بیان‌گر راز مستوری می‌داند که در تاریخ پس از انقلاب به ظهور رسیده است.

کتاب حاضر با بهره‌گیری از روش دکتر صفوی و نیز ملهم از همین بیان استاد میرشکاک در خصوص هنر و ادبیات انقلاب، مفروض گرفته است که انقلاب اسلامی نیز با نگاه بدیع خود به عالم، تأثیرات گسترده و عمیقی بر هنر و ادبیات سه دهه اخیر گذارده است که در صورت بررسی تطبیقی رشته‌های به‌ظاهر ناهمسو، می‌توان نتایج حائز اهمیتی را از این ارزیابی استخراج کرد. بر این اساس، نگارنده معتقد است که «سبک» ویژگی‌های تکرارشونده و مشخص صوری و ساختاری یک اثر یا مجموعه‌ای از آثار است که عوامل اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه نحوه اندیشیدن مؤلف یا مؤلفان آن آثار تأثیر بسزایی در ایجاد و کیفیت آن‌ها دارد. در نتیجه، با وقوع انقلاب اسلامی، فصل تازه‌ای در تاریخ این سرزمین آغاز شده است که دامنه تأثیرات خود را در گستره وسیعی از حوزه‌ها، از مسائل سیاسی و اجتماعی تا مسائل فرهنگی و هنری، بسط داده است.

بر همین اساس، انسان عهد انقلاب اسلامی نیز جهان‌بینی خاصی دارد که طرز نگرش او را به هستی و پدیده‌های آن متفاوت می‌کند. این طرز نگرش متفاوت، تأثیرات مستقیمی در هنر و ادبیات این دوره خواهد گذاشت و به شکل‌گیری سبک تازه‌ای در هنر منجر خواهد شد. این سبک تازه احتمالاً در حیطه‌های مختلفی همچون شعر و نقاشی تأثیری مشترک و مشابه بر جای خواهد گذاشت. از این رو، مطالعه هنر و ادبیات این دوره و بررسی نسبت آن با گفتمان فکری حاکم، به کشف ویژگی‌های سبکی مشترک و تکرار شونده آثار ادبی و هنری مرتبط با انقلاب منتج خواهد شد و می‌تواند مشخص‌کننده سبک هنر انقلاب اسلامی باشد.

نگارنده در این اثر معتقد است هنر انقلاب، به‌رغم گستره و تنوع بسیار خود، در این سال‌ها چنان‌که شایسته است مورد توجه نظری و پرداخت تئوریک قرار نگرفته است. این در حالی است که هنرمندان، شاعران و نویسندگان انقلاب اسلامی پس از انقلاب توانستند با خلق آثار ارزشمند و نو، جریان تازه و مهمی را در ادبیات و هنر معاصر ایران پی ببرند که صرف نظر از وجوه ایدئولوژیک و محتوایی آن، به لحاظ ساختاری و فنی نیز تحولی تازه را در پی داشت. البته ضمن تأکید بر کاستی‌های موجود در عرصه‌های پژوهشی و انتقادی هنر انقلاب اسلامی (به نسبت وسعت کارهای خلاقه انجام گرفته)، نمی‌توان انکار کرد که از دل همین هنر و ادبیات، محققان و صاحب‌نظرانی برخاسته‌اند که آثار تحلیلی و انتقادی ارزشمندی را در حوزه پژوهش تولید کرده‌اند و اثر حاضر مشحون از شواهدی در این زمینه است.

از این رو، آثاری که هنرهای تجسمی و به‌ویژه شعر انقلاب را بررسی علمی کرده‌اند، اگر هم به جهات کمی چنان‌که شایسته است رضایت‌بخش نبوده‌اند، به لحاظ ارزش کیفی و داشتن حرف تازه،

کارهای موفق در خور توجهی را در بر می‌گیرد. اما در اینجا مسئله مهم نسبت منطقی میان این دو بخش است. اهمیت موضوع زمانی بیشتر خود را نمایان خواهد کرد که با افکندن نگاهی گذرا به تاریخ هنر و ادبیات جهان، میزان انجام کارهای پژوهشی مرتبط با آثار و دوره‌هایی به مراتب کم‌اهمیت‌تر و کوچک‌تر از هنر انقلاب را با تولیدات علمی این بخش مقایسه کنیم. گذشته از این، در میان کارهای انجام گرفته نیز نگارنده به خاطر ندارد که اثری به صورت تطبیقی و بینارشته‌ای، با تلاش برای بستن پلی میان حیطه‌های مختلف هنر انقلاب و استخراج ویژگی‌های سبکی مشترک در میان آن‌ها، به رشته تحریر درآمده باشد و از این منظر امیدوار است کار او قدم کوچکی در راستای هرچه غنی‌تر کردن داشته‌های علمی و پژوهشی هنر و ادبیات انقلاب باشد.

روشی که نویسنده در این پژوهش از آن استفاده کرده است به لحاظ هدف، توصیفی<sup>۱</sup> و به لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. روش این پژوهش را به اعتبار دیگری می‌توان کیفی نیز دانست که از راه رسیدن به نقطه اشباع<sup>۲</sup> یا «کفایت نظری یافته‌ها» انجام پذیرفته است. اما مشخصه آن این است که گردآوری اطلاعات نه از طریق مصاحبه یا گفت‌وگوی زنده با نخبگان، بلکه از طریق گفت‌وگوی خاموش یا بررسی گفته‌ها و نوشته‌های مکتوب به‌جای مانده از آن‌ها صورت پذیرفته است. نویسنده برای این منظور با بررسی نقدها و تحلیل‌های منتشر شده درباره شعر و نقاشی انقلاب تلاش کرده است ویژگی‌های سبکی اشاره‌شده از سوی منتقدان و صاحب‌نظران درباره هنر انقلاب را احصا و شناسایی کند.

در ادامه کار خود به بررسی ویژگی‌های احصاشده مشترک میان

---

1. description

2. saturation point

دو حوزه شعر و نقاشی پرداخته است و سپس ویژگی‌های تکرار شونده (دست‌کم با بسامد پنج بار تکرار) را از میان مؤلفه‌های پیش رو به‌منزله ویژگی‌های سبکی قابل اعتنا و مشترک شعر و نقاشی انقلاب برگزیده و در پایان به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته است. به عبارت دیگر، محقق مؤلفه‌های مشترکی را که نخبگان حوزه شعر و نقاشی انقلاب، دست‌کم پنج بار در خصوص سبک اشعار و نقاشی‌های انقلاب مورد توجه قرار داده‌اند، ویژگی سبکی هنر انقلاب اسلامی تشخیص داده است. جامعه آماری نویسنده در این پژوهش همه یادداشت‌ها، مقالات، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و هر نوع مطلب مکتوب تحلیلی و انتقادی‌ای است که به نوعی با موضوع شعر و نقاشی انقلاب اسلامی مرتبط است.

از محدودیت‌های اصلی پیش روی این تحقیق، غیر مشخص بودن سبک‌شناسی‌های صورت‌گرفته از سوی منتقدان و صاحب‌نظران (نخبگان) بوده است. به بیان دیگر، بسیاری از ایشان در حالی به برشماری ویژگی‌های سبکی هنر انقلاب پرداخته‌اند که خود تعمد یا ادعایی برای این کار نداشته‌اند و این کار را در خلال بررسی‌های تحلیلی و انتقادی خویش، با اهدافی دیگر انجام داده‌اند. از این روی، استخراج مؤلفه‌های سبک‌شناختی اشاره‌شده ایشان، در حالی که گاهی خود نیز به آن توجهی نداشته‌اند، از لابه‌لای انبوه سخنان پراکنده و غیر مرتبط، کار ساده‌ای نمی‌نمود. همچنین، مشکل دیگری که می‌توان بر سر راه این تحقیق برشمرد، تفاوت‌های معنایی بنیادین میان برخی ویژگی‌های اشاره‌شده با ویژگی‌های سبکی شناخته‌شده در دوره‌ها و سبک‌های دیگر تاریخ هنر و ادبیات بود؛ مثلاً، ویژگی‌هایی مثل بیان‌گرایی، واقع‌گرایی یا نمادگرایی، به‌رغم شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌های معنایی بنیادینی با اصطلاحات مشابه خود در هنر غربی

همچون، اکسپرسیونیسم، رئالیسم و سمبولیسم دارند که ضروری بود نگارنده، پیش از معرفی و بررسی این ویژگی‌ها، در ابتدا به تفصیل تفاوت‌های موجود را شرح دهد. همچنین، نگارنده برخی از ویژگی‌ها چون اسلوب‌گرایی و پراکنده‌گزینی را ویژگی‌های جدید و بی‌سابقه‌ای در ذهن مخاطب قلمداد کرده و لازم دیده مفهوم آن‌ها را از ابتدا برای خواننده معنا و تشریح کند. چنان‌که گذشت، نگارنده در این اثر تلاش کرده با مرور هرآنچه تا کنون دربارهٔ هنر و ادبیات انقلاب گفته شده و ارائهٔ دسته‌بندی و نظمی منطقی از آن‌ها، به منظومه‌ای مدون و ساختارمند از مباحث نظری موجود دست یابد که صاحب اصلی آن را باید همهٔ صاحب‌نظران و منتقدانی دانست که در این عرصه قلم زده‌اند. واقعیت آن است که این پژوهش، بسان یک سمفونی، کاری گروهی و نه حاصل تلاش‌های یک تن به‌تنهایی است.

نکتهٔ مهم دیگر آن است که در این اثر تلاش شده با صرف نظر از شرایط و موقعیت حال حاضر افراد، هر جا و در هر برهه‌ای از زمان سخن ارزشمند و درخور اعتنایی دربارهٔ هنر انقلاب یافت شد، استفاده شود. باور نویسنده این است که چه‌بسا فردی در مقطعی با عنایت خداوند و به برکت او، حکمتی بر زبان و قلمش جاری شود که در صورت قدرناشناسی در ادامهٔ مسیر از آن نعمت محروم شود. از این رو، در این اثر صرف نظر از «من قال»، هر گفتهٔ درخور توجه و مرتبطی داخل در دایرهٔ داشته‌های هنر انقلاب دانسته شده است. نویسنده بر خود فرض می‌داند با عبرت گرفتن از این اتفاق تلخ و سنت شگفت الهی، تا دم‌واپسین با نگرانی و عدم اطمینان، از خداوند طلب عاقبت‌به‌خیری و ثابت‌قدمی در مسیر حق کند. ان شاء الله!

## سبک‌شناسی و نقش آن در مطالعات هنر و ادبیات

### سبک و سبک‌شناسی چیست؟

#### سبک

واژه سبک در زبان عربی از مصدر ثلاثی مجرد است به معنای گذاشتن و ریختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره. فرهنگ معین نیز «سبیکه» را به عنوان صفت مفعولی آن و کلمه‌ای که از همین واژه مشتق شده است قطعاً طلا یا نقره‌ای معرفی می‌کند که آن را گذاخته و در قالب ریخته باشند. اما در کتاب الشعر و الشعراى ابن قتیبه (متوفای ۲۷۰ هـ.ق.) این واژه به معنای «شیوه» و «روش» به کار رفته است. در عربی امروز هم، معمولاً به جای آن واژه «اسلوب» را به کار می‌برند و به صورت «اسالیب» جمع می‌بندند. اما امروزه عموم مردم سبک را در اصطلاح به معنای طور، عمل، طرز، روش، قاعده، شیوه و مثل آن می‌شناسند. این اصطلاح در دوره حاضر، و به قول ملک‌الشعراى بهار نزد ادبای قرن اخیر، مجازاً به معنای طرز خاصی از نظم یا نثر به کار رفته است و

معنایی تقریباً معادل استایل<sup>۱</sup> یافته است. استایل در زبان‌های اروپایی مشتق است از استیلوس<sup>۲</sup> یونانی که به معنای قلم حجاری بوده است (بهار، ۱۳۳۶: ج).

در زبان فارسی قدیم، واژهٔ سبک به معنای امروزین آن به کار نمی‌رفته است. ظاهراً استعمال آن بدین معنا مربوط است به ادوار متأخر. به نظر ملک‌الشعراى بهار، نخستین متنی که این واژه در آن به این معنا به کار رفته است، مجمع‌الفصحاى رضا قلی‌خان هدایت است (بهار، ۱۳۳۶: ی). البته دکتر سیروس شمیسا در کتاب کلیات سبک‌شناسی نمونه‌هایی از کاربرد واژه «سبک را در متون قبل از مجمع‌الفصحا نیز نشان داده است (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۳۵). با این همه، در گذشتهٔ ادبی ایران، گاهی به اصطلاحاتی برمی‌خوریم که می‌توان از آن معنای سبک را مراد کرد؛ مثلاً در شعر دورهٔ سامانی تا قرن پنجم، شاعران گاه‌گاهی دربارهٔ شعر یکدیگر سخن گفته‌اند و کلام خویش را به ترازوی نقد سنجیده‌اند. در این گفت‌وگوها، آن‌ها برای اشاره به روش شاعری یکدیگر ظاهراً واژهٔ مستقلی را به کار نبرده‌اند، اما بعضاً از تعابیری استفاده کرده‌اند که می‌تواند به نوعی تداعی‌گر معنای سبک باشد.

مثلاً عنصری در بیان این مفهوم از پسوند «وار» یاری گرفته و گفته است: غزل رودکی وار نیکو بود / غزل‌های من رودکی وار نیست / اگرچه بکوشم به باریک و هم / بدین پرده اندر مرا بار نیست (دیوان عنصری بلخی: ۳۲۷) و ناصر خسرو نزدیک بودن سبک شعر فارسی و عربی خود را به شیوهٔ عنصری و بحتری و جریر چنین بیان کرده است: نظام سخن را خداوند دو جهان / دل عنصری داد و طبع جریرم (دیوان ناصر

1. style

2. stilus